

چگونگی تعیین قانون حاکم بر مسئولیت غیر قراردادی در مقررۀ رم دو

همایون مافی*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

سیده عارفه سعیدی گل سفیدی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۱/۶)

چکیده

اختلاف میان قوانین کشورهای عضو اتحادیه اروپا در خصوص تعیین قانون حاکم بر تعهدات غیر قراردادی سبب شد این اتحادیه در سال ۲۰۰۷ مقرره‌ای موسوم به مقررۀ رم دو را به تصویب برساند. این مقررۀ از میان دیدگاه‌های موجود از جمله قانون مقر دادگاه، قانون محل وقوع فعل زیانبار، نظریۀ تحلیل منافع دولت و قانون مناسب، مجموعه‌ای از قواعد حل تعارض را پیش‌بینی کرد که در رأس آنها «قانون محل خسارت» قرار دارد. بدین ترتیب تمرکز این مقررۀ بر محل خسارت به‌عنوان مکانی که علت تامۀ مسئولیت مدنی محقق می‌شود، معطوف است نه محل وقوع زیان یا صرفاً نزدیک‌ترین ارتباط. مقاله حاضر با ارزیابی دیدگاه‌های مختلف در خصوص تعیین قانون حاکم بر مسئولیت غیر قراردادی به تحلیل و مذاقۀ مقررۀ رم دو می‌پردازد.

واژگان کلیدی

اتحادیه اروپا، تعهدات غیر قراردادی، قانون محل اقامت مشترک، قانون محل تحقق خسارت
قانون محل وقوع فعل زیانبار.

۱. مقدمه

اختلافات ماهوی و عملی موجود، افزایش مبادلات و جابه‌جایی‌ها در اروپا و نیاز به راه‌حل حقوقی قاطع در دعاوی مسئولیت مدنی، سبب شد اتحادیه اروپا با توجه به صلاحیت قانونگذاری^۱، در سال ۲۰۰۷ به تصویب مقرره شماره ۸۶۴/۲۰۰۷ با عنوان «مقرره رم دو»^۲ در خصوص قانون قابل اعمال بر تعهدات خارج از قرارداد بپردازد.^۳ مقرره از یک سو شامل قاعده‌ای کلی برای عموم تعهدات غیر قراردادی ایجاد شده است که بنیان و اساس آن در ماده ۴ مقرره بنا نهاده شده است. از سوی دیگر، مسائل خاص مسئولیت مدنی همانند مسئولیت ناشی از تولید، خسارات زیست‌محیطی، نقض حقوق مالکیت فکری در موادی جداگانه خود دارای قواعد خاص حل تعارض‌اند.^۴ همچنین این مقرره نخستین بار با معرفی اصل حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم بر تعهدات غیر قراردادی تحولی را در سیستم تعارض قوانین ایجاد کرد. بدین ترتیب طرفین می‌توانند پس از ایجاد خسارت یا پیش از آن (در صورتی که هر دو در پی فعالیت‌های تجاری بوده باشند) با انعقاد توافقنامه‌ای، قانون حاکم بر دعوی مسئولیت مدنی خویش را انتخاب کنند.^۵ این مقرره نشان می‌دهد که در زمینه حقوق بین‌الملل خصوصی تجزیه و قایع مرکب به گروه‌های خردتر و تعیین قواعد جزئی‌تر به‌منظور تناسب با قضیه مطروحه لازم است. از این رو پیش از شناخت قواعد تعیین قانون حاکم در رم دو، باید نظرهای گوناگون تعیین قانون حاکم بر مسئولیت غیر قراردادی که تاکنون در حقوق بین‌الملل خصوصی مطرح شده است، ارزیابی شود تا روشن شود که به چه دلیل مقرره رم دو به انتخاب قاعده کلی قانون محل وقوع خسارت مبادرت کرده و چه ایراداتی به نظریاتی همچون قانون محل وقوع حادثه یا قانون مقر دادگاه که سالیان دراز در کشورهای مختلف به‌عنوان قانون حاکم تعیین می‌شد، وارد است و اینکه به چه دلیل پس از تعیین قاعده عمومی مقرر در ماده ۴ مقرره

۱. ماده ۶۵ معاهده اتحادیه اروپا این اتحادیه را قادر می‌سازد تا به وضع قوانین لازم در خصوص تعارض قوانین و صلاحیت قضایی بپردازد.

2. Regulation (EC) No.864/2007 of European Parliament and of the Council of 11 July 2007 on the Law Applicable to Non- Contractual Obligations (Rome II). Available at: eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=OJ:L:2007:199:0040:0040:EN:PDF

۳. این مقرره مشتمل بر ۳۲ ماده است و به موجب ماده ۳۲ مقرره، تاریخ لازم‌الاجرا شدن آن از ۱۱ ژانویه ۲۰۰۹ میلادی است.

۴. به‌دلیل کثرت مقررات خاص حل تعارض و تنوع قواعد تعیین‌شده در آنها، بررسی این موارد در مقاله حاضر نمی‌گنجد. قواعد خاص شامل مسئولیت ناشی از تولید (ماده ۵)، رقابت ناعادلانه و اعمال محدودکننده رقابت آزاد (ماده ۶)، خسارت زیست‌محیطی (ماده ۷)، نقض حقوق مالکیت فکری (ماده ۸)، جنبش صنعتی (ماده ۹)، دارا شدن ناعادلانه (ماده ۱۰)، اداره فضولی مال غیر (ماده ۱۱) و تعهدات پیش‌قراردادی (ماده ۱۲) می‌شود.

۵. بند ۱ ماده ۱۴ مقرره رم دو.

رم دو، استثنائات متعددی بر آن وارد شده است. از این رو، مطالب در دو قسمت بررسی می‌شود: قسمت نخست به بیان مفاد، دلایل و ایرادات پنج نظریۀ رایج در حوزه تعارض قوانین تعهدات غیر قراردادی اختصاص داده شده و در قسمت دوم قاعدۀ کلی اتخاذ شده در مقررۀ رم دو و استثنائات وارد بر آن تبیین شده است.

۲. ارزیابی دیدگاه‌های تعیین قانون حاکم بر مسئولیت غیر قراردادی

۲.۱. نظریۀ حکومت قانون مقر دادگاه^۱

این نظر که در قرن نوزدهم توسط برخی حقوقدانان آلمانی از جمله ساوینی^۲ در زمینۀ مسئولیت خارج از قرارداد پیشنهاد شده است، از قدیمی‌ترین دیدگاه‌ها در این خصوص محسوب می‌شود. مطابق این نظریه، موضوعات مسئولیت غیر قراردادی همواره باید تحت حکومت قانون ماهوی دولت متبوع قاضی باشند، زیرا قواعد مربوط به مسئولیت مدنی دارای خصیصۀ امری هستند و قاضی هیچ‌گاه نمی‌تواند قانون کشور خارجی را در این زمینه اعمال کند، به‌ویژه هنگامی که قانون مقر دادگاه برخلاف قانون محل وقوع فعل زیانبار موضوع دعوا را خلاف قانون نداند (عاشوری، ۱۳۸۹: ۱۴۷ و ۱۴۸). دلایل طرفداران این نظر عبارت است از: فعل زیانبار در مسئولیت غیر قراردادی بسیار مشابه جرم در مسئولیت کیفری است. از این رو همان‌طور که تردیدی در اعمال‌نشدنی بودن قانون جزای خارجی در کشوری دیگر وجود ندارد، در دعوی مسئولیت غیر قراردادی نیز چنین است (Collier, 1994: 215). همچنین مسئولیت ناشی از فعل و حادثۀ زیانبار و به‌تبع آن محکومیت فرد به جبران خسارت وارده با نظم عمومی کشور مقر دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوا مرتبط است و به همین دلیل لازم است که قانون ماهوی حاکم بر دعوی اقامه‌شده همان قانون ماهوی مقر دادگاه باشد (عاشوری، ۱۳۸۹: ۱۴۸). این دلایل قابل انتقاد است، زیرا اولاً هرچند بین دو مسئولیت مدنی و کیفری شباهت‌هایی وجود دارد، مدت زیادی از جدایی و تفکیک این دو نوع مسئولیت از یکدیگر می‌گذرد. هدف از برقراری مسئولیت مدنی جبران خسارت وارده است و این بدان دلیل نیست که حادثه و فعل زیانبار، خطا یا رفتاری مجرمانه است، بلکه فقط به این دلیل است که رویداد مزبور موجب ورود زیان شده است و اینکه هیچ ضرر ناروایی نباید جبران‌نشده بماند. درحالی که در حقوق جزا توجه اصلی معطوف به جرم و خطای جزایی است و لذا برخلاف مسئولیت مدنی، افعال مجرمانه در قوانین و مقررات کیفری به‌دقت احصا می‌شوند (همان: ۱۵۰). دوم آنکه این ادعا که مقررات مربوط به مسئولیت غیر قراردادی با نظم عمومی مقر دادگاه مرتبط است، ادعای قابل

1. Lex fori

2. Savigny

قبولی نیست (Cheshire, 1974: 240)، زیرا ممکن است در برخی موارد لازم و ضروری باشد که دادگاه دعوی ناشی از فعل زیانبار واقع شده در خارج را رد کند، زیرا رسیدگی و اجرای تصمیمات مربوط به آن برخلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه کشور رسیدگی کننده است؛ ولی نباید پنداشت که هر نوع تفاوت بین قانون کشور خارجی و قانون مقرر دادگاه همین نتیجه را در پی دارد، زیرا وجود اختلاف بین قوانین کشورهای مختلف امری طبیعی و لازمه فلسفه وجودی تعارض قوانین است و ملازمه‌ای با نظم عمومی کشور مقرر دادگاه ندارد (الماسی، ۱۳۸۷: ۱۸۵). همچنین اعمال قانون مقرر دادگاه این تالی فاسد را در پی دارد که آزادی و اختیار گسترده‌ای به خواهان جهت اقامه دعوا می‌دهد. طبیعتاً وی دادگاه کشوری را جست‌وجو و انتخاب می‌کند که بیشترین نفع را به حال او داشته باشد و بتواند به محکومیت خواننده نائل شود (صالحی ذهابی، ۱۳۸۱: ۱۰۵).

۲.۲. نظریه حکومت قانون محل وقوع فعل زیانبار^۱

مطابق این نظر سنتی، قانون محلی که فعل زیانبار از نظر مادی در آن به وقوع پیوسته است، بدون در نظر گرفتن محل خسارت، به عنوان قانون حاکم، تعیین کننده شرایط و حدود دعوی مسئولیت مدنی و نیز میزان و شیوه جبران خسارت است. از جمله دلایل طرفداران این نظریه، به این شرح است: رابطه حقوقی حاصل از عمل زیانبار، نه مستند به موضوع التزام است و نه مستند به فاعل آن، بلکه مستند به منشأ التزام یعنی خود عمل زیانبار است. از این رو رابطه حقوقی مذکور باید تابع قانون محل وقوع آن باشد (عاشوری، ۱۳۸۹: ۱۶۸). برخی در توجیه صلاحیت قانون محل تحقق مادی فعل زیانبار به اصل حاکمیت سرزمینی استناد می‌کنند؛ بدین توضیح که قوانین اغلب سرزمینی‌اند و ساکنان هر کشوری کم‌وبیش احساس و درک روشنی نسبت به اصل سرزمینی بودن قوانین دارند. از این رو قانون محلی که واقعه حقوقی در آن رخ داده است، به عنوان قانون صلاحیت‌دار و حاکم بر آثار و نتایج واقعه مذکور خواهد بود (Morris, 2000: 258). بعضی نیز به نظریه حقوق مکتسبه تمسک می‌کنند. مطابق این نظر، با توجه به اینکه قانون محل وقوع فعل زیانبار عامل ورود زیان را ملزم به جبران خسارت می‌کند، برای زیان‌دیده حق مکتسبی به وجود می‌آید که براساس آن در مقابل دادگاه هر کشوری می‌تواند به قانون محل وقوع فعل زیان‌بار استناد کند (عاشوری، ۱۳۸۹: ۱۷۱).

برای رد دلیل نخست می‌توان به خصیصه اتفاقی بودن شبه جرم اشاره کرد؛ بدین معنا که محل وقوع واقعه حقوقی ممکن است به هیچ وجه با خواست و اراده طرفین دعوا هماهنگ نباشد. برای مثال اگر یک راننده فرانسوی چند کیلومتر دورتر از فرانسه، در بلژیک با یک

1. Lex loci delicti

فرانسوی دیگر تصادف کند، تعجب آور خواهد بود که صرفاً به دلیل اینکه محل وقوع مادی حادثه در بلژیک بوده است، زیان دیده خود را تابع قانون بلژیک ببیند. ایراد دیگر آن است که نباید از یاد برد علاوه بر محل وقوع زیان، عامل زیان و زیان دیده نیز نقش مهمی در سازوکار مسئولیت خارج از قرارداد دارند. بنابراین بدون توجه به اقامتگاه یا تابعیت و محل سکونت طرفین، اعمال صرف مادی فعل ممکن است به نتایج توجیه ناپذیری منجر شود (همان: ۱۷۳).

۳. ۲. نظریۀ تحلیل منافع دولتی^۱

این نظر بیشتر در ایالات متحده آمریکا اعمال می شود و مطابق آن، منظور از تعارض قوانین در حقوق بین الملل خصوصی در واقع تعارض بین منافع دولت هاست. برای این چنین حل تعارضی، قاضی مقرر دادگاه ابتدا باید به بررسی و ارزیابی سیاست تقنینی هر یک از کشورهای دخیل در مسئله مطروحه بپردازد و سپس قانون کشوری را به عنوان قانون حاکم بر تعارض قوانین برگزیند که با توجه به سیاست های تقنینی آن کشور، بیشترین نفع را در قضیه مطروحه دارد. البته با توجه به دشواری احراز سیاست تقنینی کشورهای مختلف توسط قاضی مقرر دادگاه، قاضی معمولاً دعوای مطروحه را براساس قانون مقرر دادگاه حل خواهد کرد، مگر اینکه یکی از طرفین دعوا ثابت کند که در مسئله مطروحه قانون خارجی صلاحیت دار است و قانون مقرر دادگاه صلاحیتی ندارد که البته پذیرش این امر با قاضی رسیدگی کننده است (همان: ۲۰۵ و ۲۰۶). این نظر مبتنی بر شناخت اهداف قوانین حل تعارض است و حال آنکه شناخت اهداف مذکور معیار و ضابطه مشخص و معینی ندارد. از این رو به دلیل تفسیرهای گوناگونی که می توان از قوانین حل تعارض کشورهای دخیل در موضوع به عمل آورد، اهداف بسیار گوناگونی ممکن است در مورد آنها به نظر برسد. همچنین هدف از وضع یک قاعده حل تعارض مشخص را نمی توان بدون در نظر گرفتن و بررسی کل نظام حقوقی کشوری که این قاعده در آن وضع شده است، احراز کرد. این کار بسیار دشواری است که تقریباً در تمامی موارد از عهده و توان قاضی مقرر دادگاه خارج است و از یک قاضی انتظار نمی رود که سیاست تقنینی و نظام حقوقی همه کشورهای را بداند. بر فرض پذیرش نظر مذکور، تفسیر قانون خارجی به منظور احراز سیاست تقنینی آن، خطر اشتباه قاضی را در پی دارد (همان: ۲۱۱).

۲.۴. نظریه قانون محل تحقق خسارت^۱

این نظریه، دیدگاه عام تعیین قانون حاکم در مقررۀ رم دو را انعکاس می‌دهد و مطابق آن قانون حاکم بر مسئولیت غیرقراردادی، قانون محل تحقق خسارت است، زیرا در مسئولیت مدنی، عنصر خسارت عنصر اصلی مسئولیت محسوب می‌شود نه فعل زیانبار. برای مثال، اگر دود و آلودگی‌های کارخانه‌ای که در آلمان در نزدیکی مرز لهستان احداث شده، به مزارع واقع در کشور هلند خساراتی وارد آورد و ثابت شود که علت بازده کم محصولات، فعالیت و آلودگی‌های زیست‌محیطی کارخانه مذکور بوده است، مطابق این نظر قانون کشور هلند بر دعوا حاکم خواهد بود. دلایلی که موجب تعیین این قاعده در مسئولیت غیرقراردادی می‌شود عبارت‌اند از: تحول حقوق مسئولیت مدنی به‌خوبی نشان می‌دهد که با جدا شدن مسئولیت مدنی از مسئولیت کیفری، هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت و حمایت از زیان‌دیده است نه مجازات مجرم. بنابراین قواعد مسئولیت مدنی قبل از هر چیز نقش و هدف جبران خسارت را بر عهده دارند و از این رو خسارت عنصر اساسی توصیفی و مشخصه اصلی مسئولیت غیرقراردادی است (همان: ۱۸۰). شاید بر پایه همین توجیه است که نویسندگان رم دو در بند ۱۶ دیباچه^۲ نظریه خطر را مبنای مسئولیت مدنی معرفی کرده‌اند نه مسئولیت مبتنی بر تقصیر و بر همان پایه نیز حاکمیت قانون محل تحقق خسارت را توجیه کرده‌اند. حمایت از زیان‌دیده که بر محور آن مسئولیت مدنی بنا نهاده شده است، ایجاب می‌کند که قانون محل تحقق خسارت بر قانون وقوع فعل زیانبار ترجیح یابد، زیرا ناعادلانه خواهد بود اگر زیان‌دیده که قانون وقوع خسارت حق جبران خسارت برای وی شناخته شده است با اجرای قانون محل وقوع فعل زیانبار نتواند جبران خسارت بخواهد. این دیدگاه نیز قابل نقد است، زیرا در صورتی که عمل زیانبار در کشور محل وقوع آن عملی مجاز و مشروع باشد، برخلاف انصاف خواهد بود که به‌صرف اینکه کشور محل تحقق خسارت، عمل مذکور را غیرمجاز می‌داند، فاعل مذکور را ملزم به جبران خسارت بدانیم، زیرا هر شخصی مکلف به رعایت قوانین و مقررات محلی است که در آن محل دست به اقداماتی می‌زند. مضاف بر اینکه قانون محل مذکور برای وی شناخته شده است، درحالی که محل تحقق خسارت محلی اتفاقی و غیرقابل پیش‌بینی برای فاعل زیان‌دیده و بالطبع قانون آن محل نیز برای وی ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی است. اگر مکان تحقق مادی خسارت معیار و ضابطه قرار گیرد، در صورتی که موضوع دعوی خواهان مطالبه زیان معنوی باشد، به‌عبارت دیگر خسارت به‌بارآمده ماهیت غیرمادی همچون لطمه به سرمایه

1. Lex loci damni

۲. مطابق ذیل بند ۱۶ دیباچه رم دو... همچنین قواعد متحدالشکل، دیدگاه جدید را در خصوص مسئولیت مدنی و توسعه رویکرد مسئولیت بدون تقصیر منعکس می‌کند.

معنوی و شهرت و اعتبار و آبروی شخص داشته باشد، بدیهی است که در این گونه موارد نمی‌توان زیان وارد شده را به محل و مکان خاصی منتسب کرد، مگر اینکه در موارد مذکور قاضی به یک فرض حقوقی متمسک شود (همان: ۱۸۳، ۱۸۱ و ۱۸۴). درست به همین دلیل کمیسیون اتحادیه اروپا پس از مذاکرات فراوان میان پارلمان و شورای اروپا، در بند ۲ ماده ۱ رم دو، تعهدات غیرقراردادی ناشی از نقض حریم خصوصی و حقوق مربوط به شخصیت همچون توهین و افترا را از شمول مقررۀ خارج کرد. یا در مواردی مانند رقابت مکارانه، که معمولاً از طریق منصرف کردن مشتری از معامله با رقیب تجاری صورت می‌گیرد، خسارت ناشی از آن به صورت کاهش تعداد معاملات یا تعداد مشتریان رقیب تجاری ظاهر می‌شود. در این حالت نیز تعیین مکان وقوع خسارت دشوار است (همان: ۱۸۴)، اما رم دو در ماده ۶ خود قانون قابل‌اعمال بر چنین خسارتی را قانون کشوری می‌داند که «روابط رقابتی یا منافع مشترک مصرف‌کنندگان» در آن تحت تأثیر واقع می‌شود.

۲. ۵. نظریۀ قانون مناسب مسئولیت مدنی^۱

مطابق این نظر، دادگاه با بررسی اوضاع و احوال و نیز بررسی تمام عوامل ارتباط و یافتن مرکز ثقل رابطه حقوقی، مناسب‌ترین قانون را تشخیص می‌دهد و به‌عنوان قانون حاکم انتخاب می‌کند. اعمال دکنترین قانون مناسب به تقسیم مسائل گوناگون مسئولیت مدنی به گروه‌های کوچک‌تر منجر می‌شود و در نتیجه اجازه تجزیه و تحلیل مناسب‌تر عوامل اجتماعی مانند درگیر در حادثه را خواهد داد (الماسی و افصلی مهر، ۱۳۸۷: ۷). همچنین با توجه به اینکه هدف از برقراری مسئولیت مدنی، جبران خسارت زیان‌دیده و تحقق عدالت است، نظریۀ قانون مناسب در تحقق این هدف، مؤثرتر از نظرهای دیگر است، زیرا مؤثرترین عامل ارتباط گاهی می‌تواند اقامتگاه یا محل سکونت عادی طرفین، محل ثبت وسیله نقلیه، محل اقامتگاه بیمه‌گر یا عوامل دیگری که در قضیه وجود دارند، باشد (عاشوری، ۱۳۸۹: ۲۲۲).

نخستین ایراد وارد بر نظریۀ قانون مناسب مسئولیت مدنی این است که اعمال قانون مناسب عامل قابلیت پیش‌بینی و قطعیت در تعیین قانون حاکم را که از عوامل مهم و اساسی برای شرکت‌های بیمه در انعقاد قراردادهای بیمه است، در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد (صالحی ذهابی، ۱۳۸۱: ۱۱۹). این قاعده صرفاً مبتنی بر بررسی عوامل ارتباطی متعدد در قضیه مطروحه است و در حقیقت قانون ماهوی مناسب را تعیین نمی‌کند؛ بلکه معیارهایی را به‌دست می‌دهد که تعیین قانون صلاحیت‌دار را تسهیل می‌کند. حال آنکه قاعده حل تعارض باید به صورت مشخص قانون حاکم را تعیین کند. همچنین گذشته از دشوار بودن احراز مؤثرترین عامل

1. Proper law of tort

ارتباط، نظریه قانون مناسب بسیار انعطاف پذیر است و به شخصی شدن عدالت منجر می شود؛ در حالی که آنچه مدنظر حقوق است، مفهوم نوعی عدالت است نه مفهوم شخصی آن (همان: ۲۲۳).

۳. قاعده عام حل تعارض در مقررۀ رم دو

مقررۀ رم دو در موارد متعددی از تعارض قوانین نسبت به تعهدات غیر قراردادی در موضوعات مدنی و تجاری اعمال می شود؛ هر چند موارد بسیاری از مسئولیت مدنی از شمول آن مستثنا شده اند.^۲ قلمرو جغرافیایی مقررۀ رم دو تنها کشورهای اتحادیه اروپا را پوشش می دهد،^۳ ولی قانون تعیین شده در این مقررۀ رم دو می تواند قانون یک کشور غیر عضو هم باشد.^۴ قاعده اصلی و ساختار کلی مقررۀ رم دو در ماده ۴ آن بنا نهاده شده است. قواعد مندرج در این ماده ساختار سه گانه دارد. قاعده اول، قانون کشوری است که خسارت در آن روی داده است (بند ۱)؛ قاعده دوم، قانون محلی است که اقامتگاه دائمی قربانی و عامل زیان در آنجا قرار دارد (بند ۲)؛ و قاعده سوم، قانون کشوری است که آشکارا ارتباط نزدیک تر با کشور محل وقوع خسارت دارد (بند ۳). این قواعد باید در پرتو بندهای ۱۵ تا ۱۸ دیباچۀ مقررۀ رم دو تعبیر شود. بند ۱۸ دیباچۀ بیان می دارد که بند ۱ ماده ۴، قاعده عام است، در حالی که بند ۲ ماده ۴ استثنا و بند ۳، شرط گریز در نظر گرفته می شود.

۱. بند ۱ ماده ۱ رم ۲.

۲. براساس بند ۲ ماده ۱، موارد زیر از شمول قلمرو مقررۀ مستثنا شدند: (الف) تعهدات غیر قراردادی ناشی از روابط خانوادگی و روابط مفروض به وسیله قانون قابل اعمال بر چنین روابطی به جهت داشتن آثار قابل قیاس نظیر تعهد به نفقه. (ب) تعهدات غیر قراردادی ناشی از مالکیت ناشی از ازدواج، سیستم مالکیت خویشاوندی مفروض به وسیله قانون قابل اعمال بر چنین روابطی (به دلیل) آثار قابل قیاس ازدواج، وصیت و ارث. (ج) تعهدات غیر قراردادی ناشی از برات، چک و اوراق تعهد و سایر اوراق بهادار به جهت گستردگی تعهداتی که طبق چنین اوراق بهاداری در ویژگی مالی شان ظاهر می شود. (د) تعهدات غیر قراردادی ناشی از حقوق شرکتها و سایر اشخاص حقوقی شرکتی یا مؤسسات با توجه به موضوعاتی از قبیل تشکیل، به وسیله ثبت یا غیر از آن، اهلیت قانونی، سازمان داخلی یا انحلال شرکتها یا سایر اشخاص حقوقی شرکتی یا مؤسسه ای، مسئولیت شخصی مدیران و همین طور اعضا در قبال تعهدات شرکت یا اشخاص و مسئولیت شخصی حسابرسان نسبت به شرکت یا نسبت به اعضا که در اسناد قانونی حسابداری شان مقرر است. (ه) تعهدات غیر قراردادی ناشی از ارتباطات میان مهاجران، امانت داران و ذی نفعان یک قرارداد تراست که داوطلبانه شکل گرفته است. (و) تعهدات غیر قراردادی ناشی از خسارت هسته ای. (ز) تعهدات غیر قراردادی ناشی از نقض حریم خصوصی و حقوق مربوط به شخصیت شامل اهانت.

۳. به موجب بند ۴۰ دیباچۀ رم دو، مطابق مواد ۱ و ۲ پروتکل وضعیت دانمارک، ضمیمه شده به معاهده اتحادیه اروپا و معاهده تصویب شده اتحادیه اروپا، دانمارک در قبول این مقررۀ رم دو شرکت نکرده و ملزم به اجرای آن یا اهدافش نیست. بنابراین، منظور از کشور عضو، اعضای اتحادیه اروپا به جز دانمارک است.

۴. ماده ۳ رم دو.

۱.۳. قاعدهٔ حکومت قانون محل تحقق خسارت

قانون قابل اعمال بر تعهدات غیرقراردادی مطابق بند ۱ مادهٔ ۴ «قانون کشوری خواهد بود که خسارت در آن روی داده است، صرف‌نظر از کشوری که فعل زیانبار در آن رخ داده و صرف‌نظر از کشور یا کشورهایی که نتایج غیرمستقیم خسارت در آنها ایجاد شده است». معمولاً محلی که شبه‌جرم در آن واقع می‌شود، همان محلی است که خسارت در آن روی می‌دهد. در این صورت، دادگاه رسیدگی‌کننده به‌طور قطع قانون محل وقوع فعل زیانبار را بر دعوا حاکم خواهد کرد. اما در مواردی فعل زیانبار و ضرر ناشی از آن هر دو در یک محل یا کشور صورت نمی‌گیرد. برای مثال، می‌توان به دعوی معروف آقای بیر علیه معدن آلزاس^۱ در سال ۱۹۷۶ اشاره کرد که در آن معادن فرانسه مقدار بسیار زیادی از نمک را در رودخانهٔ راین دفع کردند و این مسئله به باغبان هلندی که از آب رودخانهٔ راین برای محصولات خود استفاده می‌کرد، صدمه رساند. این‌گونه موارد به شبه‌جرم‌های فراسرزمینی^۲ موسوم است و کشورهای مختلف در تعیین قانون حاکم بر این‌گونه موارد اتفاق نظر ندارند. این به‌دلیل اختلاف‌نظر در تعریف محل جرم^۳ است. اما مقررۀ رم دو در قاعده‌انگاری خویش با انتخاب قانون محل تحقق خسارت به این اختلافات خاتمه می‌دهد. در واقع، این قاعده چیزی جز تکرار قاعدهٔ سنتی قانون محل شبه‌جرم^۴ نیست، با این تمایز که محل وقوع شبه‌جرم را جایی می‌داند که آنجا اقدام زیانبار و فعل موجد خسارت به ثمر نشست است و در واقع کامل شده است. به‌نظر می‌رسد این انتخاب در رم دو متأثر از «اولین مجموعهٔ شرح حقوق آمریکا»^۵ باشد که در آن به‌صراحت محل وقوع فعل زیانبار را کشوری می‌دانست که در آنجا آخرین رویداد لازم برای مسئول تلقی کردن عامل فعل زیانبار دعوا به‌وقوع پیوسته است. انتخابی که آمریکا طی پنجاه سال گذشته در بازگویی دوم از آن روی‌گردان شد و به نظریهٔ تحلیل منافع در انتخاب قانون حاکم روی آورد (Symeonides, 2009:19). همان‌گونه‌که در بند ۱۶ دیباچۀ رم ۲ ذکر شده، از فواید انتخاب قانون محل تحقق خسارت این است که توازنی منطقی و منصفانه بین منافع زیان‌دیده و عامل زیان ایجاد و رویکرد جدیدی را در خصوص ترویج مسئولیت محض منعکس می‌کند. این انتخاب می‌تواند قابلیت پیش‌بینی‌پذیری آرای قضایی و امنیت حقوقی را افزایش دهد. به‌علاوه هر دولت می‌تواند بر زیان‌های خارجی متحمل‌شده در داخل مرزهایش حکومت کند و این امر به اشخاص حقیقی و حقوقی انگیزهٔ لازم برای محدود کردن

۱. پروندهٔ شمارهٔ ۲۱/۷۶ دیوان دادگستری اروپا مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۶ (Bier v. Mines de potasse d'Alsace).

2. Cross-border Torts

3. Locus delicti

4. Lex loci delicti

5. First Restatement of Conflict of Laws, section 377

عواقب رفتارهایی را که ممکن است در خارج از کشور موجب زیان شود، می‌دهد (Alhodzic, 2013:26). البته کاربرد این قاعده در برخی موارد خالی از اشکال نیست؛ مقرر به وضوح بیان نکرده است که چنانچه فعل زیانبار واحد باشد، اما خسارت در بیش از یک کشور رخ دهد، قانون کدام کشور اعمال‌شدنی خواهد بود. با توجه به قاعده عام، قانون هر کشور نسبت به خسارت رخ داده در آن اعمال خواهد شد. این امر به اعمال نظریه موزائیک^۱ منجر می‌شود؛ به این معنا که به میزان ضرر وارده در هر کشور، قانون همان کشور اعمال می‌شود، حتی اگر برای مثال پرونده در یک دادگاه در حال رسیدگی باشد (Kramer, 2008:13 ; Dickinson, 2008:367). در مقابل باید اصل قانون واحد^۲ را که مقرر به صراحت آن را پذیرفته است نیز در نظر گرفت که به منظور رفع هر گونه اختلاف و عدم قطعیت در اعمال قاعده عام در ماده ۴ تشریح شده است. از این رو ممکن است با توجه به شرایط و اوضاع و احوال مورد، بنابر بند ۳ ماده ۴ تنها یک قانون به عنوان شرط گریز بر همه خسارات روی داده اعمال شود (Pricopi, 2010:136).

بر اساس عبارت آخر بند ۱، قاعده محل تحقق خسارت صرف نظر از کشور یا کشورهای که نتایج غیرمستقیم حادثه در آن روی می‌دهد، اعمال می‌شود. پس مقرر تنها خسارات مستقیم را پوشش می‌دهد و خسارات غیرمستقیم یا تبعی جزء عمل ارتباطی محسوب نمی‌شوند (Garcimartín, 2007:84). هر چند مقرر تفسیر روشنی از خسارت مستقیم ارائه نداده است، در معنای کلی به نخستین ظهور آسیب نسبت به عوارض ثانویه یا به عبارت دیگر نسبت به هر چیز و هر تعداد آسیب دیگر که متعاقب با اولین خسارت رخ می‌دهد، اشاره دارد. برای مثال آسیب به سر، نقض حق قربانی نسبت به تمامیت جسمی اوست و نه مرگ بعدی او در کشوری دیگر. بنابراین قانون کشور محل آسیب به سر بر مسئله مورد اختلاف حاکم خواهد بود (Hay, 2007:139). سؤالی که ممکن است ایجاد شود این است که خسارت غیرمستقیم تابع چه قانونی خواهد بود؟ حقوق کامن‌لا تعریفی یکسان از خسارت غیرمستقیم ارائه نداده است؛ بنابراین برخی آن را بخشی از تعریف ماهوی خسارت به طور کلی می‌دانند که بدین لحاظ خسارت غیرمستقیم تابع قانون حاکم بر خسارت مستقیم است (Garcimartín, 2007:84). در مقابل برخی حقوقدانان خسارت غیرمستقیم را تنها از اوصاف کمی خسارت می‌دانند و آن را شکلی توصیف می‌کنند، بنابراین تحت حکومت قانون مقرر دادگاه می‌دانند (Dacey &

1. Mosaic principle

باید توجه داشت که نظریه موزائیک متفاوت با دیپاساژ (Dépeçage) است، زیرا دیپاساژ به معنای تجزیه دعوا و حاکم نمودن چند قانون بر بخش‌های مختلف آن است، حال آنکه طبق نظریه موزائیک فعل زیانبار واحد در کشورهای متعدد واقع می‌گردد و در مورد هر جزء ضرر، قانون همان کشور به کار می‌رود (میرحسینی، ۱۳۹۳: ۷۴).

2. De lege ferenda

(Morris, 2000: 170). به نظر می‌رسد هر چند خسارت غیرمستقیم به لحاظ تعاقب زمانی پس از خسارت اولیه ایجاد شده است، به لحاظ کیفی هنوز خسارت محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را به‌عنوان عوارض شکلی توصیف کرد. در این زمینه می‌توان به استدلال شعبۀ اول مدنی دیوان فرانسه در دعوای وراث علیۀ عامل زیان برای مطالبه خسارت معنوی در سال ۲۰۰۳ اشاره کرد: «نظر به اینکه خسارت معنوی زیان دیدگان غیرمستقیم (وراث)، ناشی از خسارت مستقیمی می‌باشد که در اثر فعل موجد خسارت به متوفی (زیان‌دیده مستقیم) وارد شده است، لذا قانون حاکم بر این دعوا، قانون محل وقوع خسارت مستقیم یعنی همان محل وقوع حادثه است نه محل وقوع خسارت غیرمستقیم»^۱ (عاشوری، ۱۳۸۹: ۳۰۹).

۲.۳. اعمال قانون محل اقامت مشترک طرفین^۲

بند ۲ ماده ۴ نخستین استثنا را نسبت به قانون محل خسارت مقرر می‌دارد: «در موردی که شخصی که علیه او اقامۀ دعوای مسئولیت شده (عامل زیان) و زیان‌دیده، هر دو اقامتگاه دائمی‌شان در زمان وقوع خسارت در یک کشور باشد، قانون همان کشور باید اعمال شود. این استثناء در جهت پاسخ دادن به انتظارات مشروع طرفین دعوا وضع شده است و باعث می‌شود تا از غافلگیری طرفین توسط قانون ناشناخته اجتناب شود. به‌علاوه، عدول از قاعدۀ اصلی و اجرای قانون محل اقامت طرفین مطابق با اصول اقتصادی نیز می‌باشد. زیرا، اعمال بند ۲ ماده ۴ در صورت وجود شرایط آن و در صورتی که منافع شخص ثالث در خطر نباشد، هزینه‌های دادرسی را کاهش داده و موجب اجتناب از بررسی دشوار قانون خارجی می‌شود. در ضمن، فرایند دادرسی را بهتر و کارآمدتر کرده و رأی صادره در این مورد نیز مطابق با اصول بین‌المللی خواهد بود (Alhodzic, 2013: 26). در نتیجه، اقامتگاه عادی مشترک در مرتبه ای بالاتر از محل وقوع خسارت قرار می‌گیرد. وقتی که زیان‌دیده و شخص مسئول در کشور واحدی مقیم هستند، آن کشور دارای بیشترین شایستگی برای تعیین حقوق و تعهدات طرفین می‌باشد حتی اگر مسئولیت مدنی کلا در کشور دیگری اتفاق افتاده باشد (مافی، ۱۳۹۴: ۲۹۸) برای اجرای مفاد بند ۲، نخست لازم است که هر دو شخص مسئول و زیان‌دیده اقامتگاه دائمی‌شان در یک کشور باشد و دوم اینکه هیچ‌گونه شرایط از پیش موجودی مبنی بر تعیین بند ۳ ماده ۴ به‌عنوان قانون حاکم موجود نباشد. در این زمینه، مفهوم اقامتگاه دائمی^۳ نیاز به بررسی دقیق

۱. رأی شماره ۱۲۲۹، ۲۸ اکتبر ۲۰۰۳، شعبۀ اول مدنی دیوان فرانسه. برای مشاهده متن رأی ر.ک:

http://www.lexinter.net/JPTXT3/loi_applicable_a_la_responsabilite_extracontractuelle.htm

(تاریخ آخرین مشاهده: ۲۳/ ۱۲/ ۱۳۸۸ به نقل از عاشوری، ص ۳۲۱)

2. Parties common residence

3. Lex Domicili

دارد. اقامتگاه دائمی در ماده ۲۳ مقررۀ رم دو تعریف شده است. در صورتی که حادثه مربوط به شرکت‌ها و اشخاص حقوقی باشد، اقامتگاه دائمی آنها مطابق مقررۀ رم دو، مرکز اداره آنهاست و چنانچه خسارت در جریان کار یک شعبه تجاری یا مؤسسه‌ای که نماینده شرکت اصلی باشد رخ دهد، محلی که شعبه یا نمایندگی در آن واقع شده است به‌عنوان اقامتگاه دائمی تلقی می‌شود (بند ۱ ماده ۲۳). بنابراین، معیار مناسب برای شناسایی محل اقامت اشخاص حقوقی، مرکز اداره شرکت است؛ یعنی مکانی که اداره فعالیت‌های شخص حقوقی بر مبنای ثابت و منظمی در آن واقع می‌شود. این معیار متفاوت از مفهوم سازمان اصلی یا مفهوم اقامتگاه قانونی شرکت است.^۱ در واقع، این ضابطه به محلی اشاره دارد که رأس شخص حقوقی است و مکانی که در آن مستقیماً اعمال قدرت می‌شود نه مکانی که صرفاً بازوهای اجرایی شرکت مثل کارخانه‌ها یا محل سرمایه و اموال شرکت در آن قرار دارد. مقررۀ یک قاعده دیگر را نیز افزوده است که ملهم از بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون رم در مورد قانون حاکم بر تعهدات قراردادی (۱۹۸۰) است. در موردی که شخص حقوقی بیش از یک شعبه دارد و خسارت در ضمن فعالیت یک شعبه خاص روی می‌دهد، در این صورت چه شخص حقوقی زیان دیده باشد چه عامل زیان، اگر اقامتگاه طرف دیگر دعوا نیز در همان محل باشد، قانون حاکم توسط قاعده بند ۲ ماده ۴ معین خواهد شد. در خصوص اقامتگاه دائمی اشخاص حقیقی، بند ۲ ماده ۲۳ مبنایی خاص برای اشخاصی که خسارت در ارتباط با فعالیت تجاری یا حرفه و پیشۀ آنها رخ می‌دهد، بیان کرده است. در این صورت، محل اصلی تجارت به‌عنوان معیار تعیین اقامتگاه دائمی در نظر گرفته می‌شود. در واقع، به‌جای ارجاع به محل اداره امور شرکت ارجاع به محل فعالیت تجاری^۲ صورت گرفته است. اما، هیچ مبنایی برای مواردی که شخصی که در بیش از یک مکان فعالیت می‌کند یا خسارت غیرتجاری سایر اشخاص حقیقی وجود ندارد. براساس بند ۱ ماده ۵۹ مقررۀ بروکسل یک در مورد شناسایی و اجرای احکام قضایی در امور مدنی و تجاری مصوب (۲۰۰۱) اصطلاح اقامتگاه در این‌گونه موارد باید براساس قانون مقرر دادگاه توصیف شود. به گفته برخی حقوقدانان کاملاً بی‌معنا خواهد بود که قانون مقرر دادگاه به‌عنوان معیار تعیین محل اقامت قرار گیرد. اهداف اتحادیه اروپا در دیباچۀ مقررۀ رم دو تا به‌چنین تفسیری را ندارد. در واقع محل اقامت دائمی به مرکز واقعی فعالیت‌های زندگی مثل محل سکونت، خانواده و کار اشاره دارد که معیاری حقیقی و مستقل است (Kramer, 2008: 14; Hohloch, 2007: 12).

۱. ماده ۴۸ عهدنامه رم ۱۹۸۰ و ماده ۶۰ مقررۀ بروکسل ۱ تمایز این سه مفهوم را به‌خوبی نشان می‌دهد.

2. Place of business

۳.۳. اعمال قانون ارتباط نزدیکتر آشکار به دعوا^۱

علاوه بر استثنای بند ۲، استثنای مهم دیگر در بند ۳ ماده ۴ مقرر می‌دارد: «در صورتی که از تمام اوضاع و احوال مورد معلوم باشد که مسئولیت مدنی ارتباط نزدیکتر آشکاری با کشوری غیر از آنچه در بند اول و دوم ذکر شده است داشته باشد، قانون آن کشور باید اعمال شود. یک رابطه نزدیک آشکار با کشور دیگر باید مبتنی بر یک ارتباط موجود خاص بین طرفین باشد مانند یک قرارداد». بنابراین، اگر شبه‌جرم ارتباط نزدیکتر آشکاری با کشوری غیر از آنچه قاعده محل تحقق خسارت و قاعده قانون اقامتگاه مشترک طرفین تعیین کرده، داشته باشد، تعهدات باید تحت حکومت قانون کشور ثالث قرار گیرد. به نظر می‌رسد این بند شاخه‌ای از نظریه قانون مناسب مسئولیت مدنی را ارائه می‌دهد که در برخی نظام‌های حقوقی مانند برخی ایالات آمریکا این قاعده به صورت کامل جایگزین قاعده حاکمیت محل خسارت شده است. همچنین حکم مندرج در بند ۳ ماده ۴ مقررۀ رم دو مشابه مفاد بند «د» ماده ۱۴۵ دومین مجموعه شرح جدید حقوق آمریکا^۲ است. در ماده ۱۴۵ مذکور نیز قانون کشوری به عنوان قانون حاکم و صلاحیت‌دار بر دعوی مسئولیت مدنی اعلام شده است که نزدیک‌ترین ارتباط را با حادثه و طرفین دعوا داشته باشد. هدف از این استثنا، هماهنگی میان دیدگاه‌های مختلف در رسیدن به قطعیت حقوقی لازم از یک سو و نیاز به اجرای عدالت از سوی دیگر و ایجاد درجه معینی از انعطاف‌پذیری نسبت به قاعده‌ای است که بند ۱ و ۲ ماده ۴ معین کرده است.^۳ بنابراین، واضح است که اعمال این قاعده تنها در وضعیت استثنایی امکان دارد؛ یعنی وظیفه دادگاه از نقطه شروع می‌باید فرض قانون محل تحقق زیان باشد و اعمال قانون استثنایی که امری خارج از قاعده است، نیازمند دلایل متقن است. این تأکید از آن روست که از نظر برخی حقوقدانان و عملاً در رویه برخی کشورهای عضو به‌هنگام اعمال این ضابطه استثنا را جایگزین اصل می‌کنند و بدو به دنبال معیارهای محسوس و عینی‌ترند که با دعوا مرتبط است (Fentiman, 2009:90). از مزایای دیگر این قاعده علاوه بر تضمین نسبی عدالت، کمک به مواردی است که قاعده تعارض قوانین تعیین شده در بند ۱ و ۲ ماده ۴ شامل آنها نمی‌شود. برای مثال وقتی که خسارت در جایی رخ می‌دهد که تحت سلطه هیچ حکومتی نیست، مانند خسارت رخ داده در سفرهای هوایی و دریایی در مناطق آزاد (Garcimartín, 2007:84). منظور از حکومت قانون مناسب مسئولیت مدنی، همان حکومت قانون کشوری است که دارای نزدیک‌ترین ارتباط با دعواست و نباید آن را با حکومت بهترین قانون در میان سایر قوانین به لحاظ محتوا و اثر اشتباه گرفت (Symeonides, 2001:3). برای تعیین قانون نزدیکتر به دعوا،

1. The Law Of The Manifestly Closer Connection
2. Second Restatement of Conflict of Laws

۲. بند ۱۴ دیباچه رم دو.

عوامل عینی در نظر گرفته می‌شوند نه معیارهای ذهنی طرفین دعوا. این مسئله را می‌توان به‌وضوح از وصف «آشکارا»^۱ در قانون نزدیک‌ترین ارتباط که در بند ۳ ذکر شده است، استنباط کرد. این بند در ادامه به «ارتباط از پیش موجود» اشاره دارد. جمله‌بندی مبهم ذیل بند ۳ ماده ۴ روشن نمی‌کند در موردی که بین طرفین هیچ رابطه از پیش موجودی نباشد، این بند تا چه حد نقش دارد. مثال مقررۀ رم دو در خصوص این ارتباط، وجود یک قرارداد است. البته باید توجه داشت که این موضوع حصری نیست و وجود روابط حقوقی دیگر^۲ را برای اعمال این قاعده استثنا نمی‌کند. با این حال، وجود هر نوع ارتباطی را نمی‌توان ارتباط نزدیک آشکار و مشمول بند ۳ دانست. برای مثال قراردادهای خصوصی استخدام یا قراردادهای تحمیلی که در آن با انتخاب قانون قابل اعمال در پی تحمیل آن به مشتری هستند، این سنخ نیستند، زیرا اعمال قاعده قانون نزدیک‌ترین ارتباط در بند ۳، در مواردی که یکی از طرفین ضعیف‌تر است (مانند مشتری یا کارگر)، از قواعد حمایتی محسوب می‌شود و از تحمیل قانونی که جبران خسارت کمتری را تدارک دیده است، جلوگیری می‌کند (Alhodzic, 2013:29).

۴. نتیجه

درحالی‌که به‌کارگیری قاعده قدیمی قانون مقر دادگاه در تعهدات غیرقراردادی با ایرادهای جدی مواجه است، امروزه نظریاتی همچون تحلیل منافع دولتی و قانون مناسب راه خود را در نظام تعارض قوانین کشورها باز کرده است؛ اما این قواعد نیز به دلیل نداشتن قابلیت پیش‌بینی نمی‌توانند یقین حقوقی لازم را تضمین کنند. به همین دلیل، بیشتر نظام‌های حقوقی دنیا قاعده قانون محل تحقق زیان را اعمال می‌کنند. برای رد این دیدگاه نیز می‌توان به ایرادهایی همچون خصیصۀ اتفاقی بودن جرم و عدم قابلیت انطباق بر موارد متعدد مسئولیت مدنی استناد کرد. مقررۀ رم دو با به‌کارگیری مجموعه‌ای از قواعد حل تعارض و پایبند نبودن به قاعده سنتی و خشک صلاحیت قانون محل فعل زیانبار نشان داده که نیل به توازن رضایت‌بخش میان قطعیت قضایی از یک سو و انعطاف‌پذیری و انصاف از سوی دیگر در تعیین قانون حاکم بر مسئولیت غیرقراردادی کار دشواری است. تدوین‌کنندگان مقررۀ رم دو با معرفی «قانون محل تحقق خسارت» سعی دارند که بهترین قاعده را از نظر حقوقی و اقتصادی بر تعهدات غیرقراردادی حاکم گردانند و در این راه حمایت از زیان‌دیده و توسعه رویکرد مسئولیت محض را مبنا قرار

1. Manifestly

۲. در خصوص این موضوع که آیا روابط از پیش موجود تنها شامل روابط حقوقی می‌شود یا روابط غیرحقوقی را نیز پوشش می‌دهد، منازعات فراوانی میان پارلمان و کمیسیون اتحادیه اروپا در گرفت. پارلمان فهرستی از عوامل حقیقی و حقوقی برای تعیین قانون مناسب پیشنهاد کرد، اما کمیسیون آن را نپذیرفت، زیرا آن را با روح بند ۳ ماده ۴ که تنها به‌عنوان یک استثنا به‌کار می‌رود، در تعارض یافت (طرح اصلاح‌شده کمیسیون در سال ۲۰۰۶).

داده‌اند، اما وجود برخی استثنائات مانند صلاحیت قانون محل اقامت مشترک طرفین دعوا و قانون نزدیک‌ترین ارتباط را نشان می‌دهد که هدف مقررۀ رم دو این است که قانونی به‌عنوان قانون حاکم بر تعهدات غیر قراردادی انتخاب شود که مؤثرترین و بیشترین ارتباط را در مقایسه با سایر عوامل ارتباطی قضیه با حادثۀ مورد نظر داشته باشد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. الماسی، نجادعلی؛ افضل‌ی مهر، مرضیه (۱۳۸۷). «قانون حاکم بر الزامات خاص غیر قراردادی». مجله نامه مفید، ش ۶۷، ص ۲۶-۳.
۲. الماسی، نجادعلی (۱۳۸۷). حقوق بین‌الملل خصوصی. ج هفتم، تهران: میزان.
۳. صالحی ذهابی، جمال (۱۳۸۱). «مسئولیت مدنی و قانون حاکم بر آن در تعارض قوانین». فصلنامه صنعت بیمه، سال هفدهم، ش ۶۷: ۱۳۰-۱۰۱.
۴. سلجوقی، محمود (۱۳۸۹). بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی. ج دوازدهم، تهران: میزان.
۵. عاشوری، مهدی (۱۳۸۹). تعارض قوانین در مسئولیت خارج از قرارداد. ج اول، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۶. مافی، همایون (۱۳۹۴). تعیین قانون قابل اعمال بر تعهدات غیر قراردادی در مقررۀ رم ۲ اتحادیه اروپا، مجله حقوقی بین‌المللی، سال ۳۲، شماره ۵۳.
۷. میرحسینی، مجید (۱۳۹۳). مبانی تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در حقوق اتحادیه اروپا و ایران. ج اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ب) خارجی

8. Alihodzic, Jasmina (2013), "The General Rule on Choice of Law for Non-Contractual Obligation of European Union and Bosnia and Herzegovina", Faculty of Law Tuzla, University of Tuzla, pp 24-31
9. Cheshire, G. C. (Geoffrey Chevalier) and North, Peter Machin (1999), Cheshire and North's Private International Law, Oxford University Press, UK 13th ed
10. Collier, John Greenwood (1994), Conflict of Laws, Cambridge University Press, Second Edition
11. Dicey (Albert Venn) and Morris (John Humphrey Carlile) (2000), Dicey and Morris on the Conflict of Laws, Publisher: Sweet & Maxwell Ltd UK, 13th ed, vol 2
12. Fentiman, Richard (2009), "The Significance of Close Connection, The Rome II Regulation", Edited by John Ahern and William Binchy, Martinus NIJHOFF publishers, Leiden & Boston
13. Garcimartín Alférez, Francisco J (2007), "The Rome II Regulation: On the Way Towards a European Private International Law Code", The European Legal Forum, 7th year, pp 77 – 91
14. Hohloch, Gerhard (2007), The Rome II Regulation: An Overview, Published in Association with Swiss Instituted of Comparative Law
15. Kramer, Xandra E (2008), "The Rome II Regulation on the Law Applicable to Non-Contractual Obligations: The European Private International Law Tradition Continued", Published in Nederlands Internationaal Privaatrecht (NIPR), no. 4, pp 414 – 424
16. Morris, John Humphrey Carlile (2000), The Conflict of Laws, Sweet & Maxwell, London Stevens, 5th

- 17.Pricopi, Adrian (2010), "Considerations Regarding the General Rule Provided by the Article 4 of the Rome II Regulation", Annals of Spiru Haret University, Economic Series, no. 4, pp 133-139
- 18.Symeonides, Symeon C (2008), "The American Revolution and the European Evolution in Choice of Law: Reciprocal Lessons", Tulane Law Review
- 19.Symeonides, Symeon C (2009), "A New Conflicts Restatement: Why Not?" , Published in 5 Journal of Private International Law
- 20.Symeonides, Symeon C(2001)," Material Justice and Conflicts Justice in Choice of Law", Essay in Honor of Friedrich K.Jungert.

ج) اسناد

- 21.EEC Convention on the Law Applicable to Contractual Obligations (1980) (known as the Rome Convention)
 - 22.Explanatory Memorandum Accompanying the Original Proposal by the EC Commission of 22 July 2003. com (2003)
 - 23.Regulation (EC) No. 44/2007 of European Parliament and of the Council of 22 December 2000 on Jurisdiction and Enforcement of Judgments in Civil and Commercial Matters (Brussels I).
 - 24.Regulation (EC) No. 593/2008 of the European Parliament and The Council of 17 June on the Law Applicable to Contractual Obligations (Rome I)
 - 25.Regulation (EC) No. 864/2007 of European Parliament and of the Council of 11 July 2007 on the Law Applicable to Non-Contractual Obligations (Rome II).
-